

انسان

صبا فدوی

www.ketab.ir

سرشناسه	:	قدوسی، صبا، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	انسان/صبا قدوسی،
مشخصات نشر	:	مشهد: دیانت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۷۲ ص.
شابک	:	۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۱۲۰۶ - ۷ - ۱
موضوع	:	قطعه‌های ادبی - قرن ۱۲
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۰ الف ۸/۱۵۹/۵۹۳ PIR
رده بندی دیویی	:	۸۴۸/۸۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۵۵۹۷۹۶



نام کتاب: انسان

مؤلف: صبا فدوی

طراح جلد: سید روح الله اسدیان

ویراستار: سید مهدی علمی

انتشارات: دیانت

لینوگرافی: پارسا جاب: میثاق صحافی: حافظ

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

بها: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۴۰۶-۷-۱

آدرس: مشهد، چهارراه شهدا، کوچه آیت الله بهجت ۲، گنجینه کتاب طبقه

منهای یک، پلاک ۶۰۴ تلفن: ۲۲۲۶۸۹۷

www.diyanatpub.ir

فهرست مطالب

۱. پیشگفتار ۱۱
۲. پیدای پنهان ۱۴
۳. روح هستی ۱۵
۴. لحظه آفرینش من ۱۶
۵. از این همه فریاد چه سود؟ ۱۸
۶. تنهایی یک مرد ۱۹
۷. بهشتی که رهایش ساختم ۲۱
۸. سرو ۲۳
۹. عشق دروغین ۲۴
۱۰. کودکی که درونم می‌زید ۲۶
۱۱. عشق خاک ۲۷
۱۲. لحظه ناب ۲۹
۱۳. صدای نور ۳۳

۱۴. هستی همان دریچه است ۳۳
۱۵. نامی که تو بر من گذاردی ۳۴
۱۶. از این تو هستم ۳۶
۱۷. فراموشی نسل انسان ۳۷
۱۸. قطره‌ای که درخت شد ۳۹
۱۹. صدای سخن عشق ۴۲
۲۰. عشق و عقل ۴۴
۲۱. عشق عشق ۴۵
۲۲. من و نفسم ۴۶
۲۳. اندوه ۴۷
۲۴. این منم، متضادِ مترادف ۴۸
۲۵. یأسِ ابلیس ۵۰
۲۶. اسارت یک موج ۵۱
۲۷. گناه بزرگ ۵۲
۲۸. حقیقت! ۵۳
۲۹. رنگ عشق، رنگی بیگانه ۵۴

۳۰. بن بست خاکستری ۵۶
۳۱. طوفان وازمه‌ها ۵۷
۳۲. مقام یک سنگ ۵۹
۳۳. در آرزوی وصال ۶۰
۳۴. پایانی برای یک فراق ۶۱
۳۵. مرگ ۶۲
۳۶. مرا بخوان ۶۳
۳۷. نامه‌ای به او ۶۴
۳۸. نامه‌ای که گشودم ۶۵
۳۹. منجی ۶۸
۴۰. انسان ماورائی ۷۱

۱. پیشگفتار

واژه انسان، برای موجودی که به صورت یک انسان تجلی یافته است واژه‌ای بیگانه نیست. با این حال، او عمر خود را برای فهم واژه‌های بیگانه صرف می‌کند.

علمی که تو را گره گشاید بطلب
زان پیش که از تو جان برآید بطلب
آن نیست که هست می‌نماید بی‌گزار
آن هست که نیست می‌نماید بطلب

یک موج، همیشه در اندیشه ساحل است و به سوی آن
 می‌شناید، زیرا ساحل برای موج واژه‌ای بیگانه و دور است که
 رسیدن به آن آرامشی کاذب را برای او به ارمغان می‌آورد،
 ولی این شتاب و سکون موجب پریشانی دریا می‌گردد.

دشمن خویشیم و یار آن که ما را می‌کشد

غرق دریائیم و ما را موج دریا می‌کشد^۱

به هنگام فهم واژه انسان، انسانیت است که ظهور می‌کند
 و اراده و عشق معنا می‌یابد. یک انسان زمانی انسان خواهد

بود که به خویشمن خویشش اش بیاندیشد، همان نوری که به او
مقامی والاتر از یک فرشته و بال‌هایی آزاد برای پرواز می‌دهد.
کتاب "انسان" چیزی را شرح نمی‌دهد و برای فهم مطلبی
تلاش نمی‌کند، بلکه تنها فریادی بی‌صداست از درون انسانی
که از موج بودن رسته و در قلب دریا آرام گرفته است. او در
حبابی معلق در عشق نهفته است و هستی بی‌صبرانه در
انتظار دگرذیسی اوست.

صبا فدوی

۲. پیدای پنهان^۱

در آن لحظه که بر خالق خویش عاشق می‌شویم، من "او" می‌شود.

و لحظه‌ای که او را در جاده‌های پر پیچ و خم زندگی گم می‌کنیم، "او" من می‌شود!

یکی از شوق، حضور او را اثبات می‌کند و دیگری از بیم حضورش، او را انکار.

یک روز عاشق، یک روز کافر!

عجیب است، هر روزمان در اندیشه "او" می‌گذرد!

۱. ابن سینا: "نیکویی وی پرده وی است و پدید آمدن وی سبب ناپیدایی وی است و آشکارا شدن وی سبب پنهان شدن وی است. چنان‌که آفتاب اگر چند اندکی پنهان شد، بسیار آشکارا شد و چون سخت پیدا شد، اندر برده شد. پس روشنی وی پرده روشنی وی است."